

بین آستین



غرور و تقصیر

ترجمہ رضا رضایی



نشرنی

اوستین، جین، ۱۷۷۵ - ۱۸۱۷ م Austen, Jane
غرور و تعصب / جین آستین؛ ترجمه رضا رضایی. - تهران: نشر
تی، ۱۳۸۵.
۴۴۹ ص.

ISBN 978-964-312-843-2

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیها.
عنوان اصلی:
Pride and prejudice.
چاپ هفدهم؛ ۱۳۹۵.

۱. داستانهای انگلیسی - قرن ۱۹ م. الف. رضایی، رضا، مترجم.
ب. عنوان.

۸۳۳/۶

۲ غ ۸۷۵ الف / ۳ PZ

۱۳۸۵

م ۸۴-۴۵۸۱۳

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۷	سخن مترجم
۹	بخش اول (فصل‌های ۱ تا ۲۳)
۱۵۹	بخش دوم (فصل‌های ۱ تا ۱۹)
۲۸۳	بخش سوم (فصل‌های ۱ تا ۱۹)
۴۴۷	فهرست نام‌ها

سخن مترجم

جین آستین در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ در استیوتن، همپشر، جنوب شرقی انگلستان، به دنیا آمد. او هفتمین فرزند یک کشیش ناحیه بود. در سال ۱۸۰۱ که پدرش بازنشسته شد، خانواده آستین به بث نقل مکان کرد. پدر در سال ۱۸۰۵ از دنیا رفت و جین آستین و مادرش چندبار نقل مکان کردند، تا سرانجام در سال ۱۸۰۶ در نزدیکی التن در همپشر ماندگار شدند. جین آستین در همین محل ماند و فقط چندبار به لندن سفر کرد. در مه ۱۸۱۷ به سبب بیماری به وینچستر کوچ کرد تا نزدیک پزشکی باشد، و در ۸ ژوئیه ۱۸۱۷ همان جا درگذشت.

جین آستین نوشتن را از نوجوانی آغاز کرد. قبل از انتشار آثارش بارها در آن‌ها دست می‌برد و بازبینی‌شان می‌کرد. چهار رمان عقل و احساس، غرور و تعصب، مسفیلد پارک و اما به ترتیب در سال‌های ۱۸۱۱، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴ و ۱۸۱۶، یعنی در زمان حیات جین آستین منتشر شدند. رمان‌های نورنگرایی و ترغیب در سال ۱۸۱۸، یعنی بعد از مرگ نویسنده، به چاپ رسیدند. دو اثر به نام‌های لیدی سوزان و واتسن‌ها (ناتمام) نیز از کارهای اولیه جین آستین باقی مانده است. او پیش از مرگ مشغول نوشتن رمانی به نام سندیتن بود که قسمت‌های پراکنده آن در دست است. جین آستین در محیطی نسبتاً منزوی زندگی کرد و اوقات خود را بیشتر به نوشتن گذراند. به نظر نقادان، او تبوغی دووجهی داشت: هم طنز قدرتمندی داشت و هم اخلاقیات و روحیات آدم‌ها را خوب می‌شناخت. این دو وجه در نوشته‌های او نیز تجلی یافته است. زندگی اجتماعی و خانوادگی محملی است که نویسنده به کمک آن، با ژرفاندیشی، درباره انسان‌ها و روابط آن‌ها قضاوت می‌کند و نظر می‌دهد.

رمان‌های جین آستین از پرخواننده‌ترین آثار در ادبیات جهان‌اند و حدود دویست سال است که نسل‌های پیاپی با کشش و علاقه روزافزون رمان‌های او را می‌خوانند. غرور و تعصب احتمالاً در ۱۷۹۷ نوشته شد، و نویسنده در دهه اول قرن نوزدهم بازبینی‌هایی در آن انجام داد و در سال ۱۸۱۲ متن را نهایی کرد. سرانجام در آغاز سال ۱۸۱۳ رمان غرور و تعصب منتشر شد. قهرمانان اصلی این رمان (الیزابت و داریسی) آدم‌هایی‌اند که به تدریج به محاسن یکدیگر پی می‌برند. خود جین آستین به‌صراحت گفته است که رستگاری اخلاقی شخصیت‌ها بستگی دارد به این‌که به تدریج، و با افزایش شناخت و آگاهی‌شان از دیگران، خود نیز دگرگون و کامل‌تر بشوند.

متنی که مترجم مبنای کار قرار داده است نسخه چاپ اول ۱۸۱۳ است اما برای دقت بیشتر به نسخه چاپ دوم ۱۸۱۳ نیز مراجعه شده است.

توضیح این نکته را لازم می‌دانم که معادل دقیق عنوان کتاب «غرور و پیش‌داوری» است، نه «غرور و تعصب»، و این نکته‌ای است که خواننده پس از مطالعه متن رمان به آن پی خواهد برد، اما مترجم ترجیح داده است که به سبب معروفیت و رواج عنوان «غرور و تعصب» (چه در کتاب‌ها و مقاله‌ها و نقدها، و چه در فیلم‌ها و سریال‌ها) همین عنوان را حفظ کند، و در عین حال به نخستین مترجم فارسی این رمان (شمس‌الملوک مصاحب در سال ۱۳۳۶) و انتخاب او نیز احترام بگذارد.

امیدوارم این ترجمه مورد استفاده دوستان ادبیات قرار بگیرد و دلگرمی مترجم و ناشر برای ترجمه و انتشار دیگر رمان‌های جین آستین افزایش یابد و فراغت و مجال برای تحقق این برنامه فراهم باشد.

از مدیریت و کارکنان نشر نی که کتاب را به شکل شایسته‌ای تولید کرده‌اند، و از همه دوستانی که مشوق کار من بوده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

رضا رضایی
زمستان ۱۳۸۴

اکنون که با استقبال خوانندگان، این کتاب تجدید چاپ شده است لازم می‌دانم از همه کسانی که با تذکرها و اظهارنظرها و تشویق‌ها و تکذیب‌ها مستقیم و غیرمستقیم سبب بهبود متن شده‌اند تشکر کنم.

رضا رضایی
زمستان ۱۳۸۵

بخش اول

30BOOK

فصل ۱

صغیر و کبیر فرض‌شان این است که مرد مجرد پول‌ویله‌دار قاعدتاً زن می‌خواهد.

وقتی چنین مردی وارد محل جدیدی می‌شود، هر قدر هم که احساسات یا عقایدش ناشناخته باشد، چنان این فرض در ذهن خانواده‌های اطراف جا افتاده است که او را حق مسلم یکی از دخترهای خود می‌دانند.

روزی خانم بنت به شوهرش گفت: «آقای بنت عزیز، شنیده‌ای که ندر فیلد پارک را بالاخره اجاره داده‌اند؟»

آقای بنت در جواب گفت که نه، نشنیده است.

خانم بنت گفت: «ولی اجاره شده. همین الان خانم لانگ این جا بود، سیر تا پیازش را گفت.»

آقای بنت جوابی نداد.

زنش بی‌طاقت شد و با صدای بلند گفت: «نمی‌خواهی بدانی چه کسی اجاره‌اش کرده؟»

«تو می‌خواهی به من بگویی. باشد، گوش می‌کنم.»

همین اجازه کافی بود.

«بله، عزیزم، باید بدانی. خانم لانگ می‌گوید که ندر فیلد را یک جوان

پول و پله داری اجاره کرده که مال شمال انگلستان است. روز دوشنبه با کالسکه چهاراسبه آمده بود ملک را ببیند. آن قدر خوشش آمد که درجا با آقای موریس توافق کرد. قرار است قبل از پاییز بیاید بنشیند. چند تا از خدمتکارهایش تا آخر هفته بعد می آیند به این خانه.»

«آقا اسمش چیست؟»

«بینگلی.»

«متاهل یا مجرد؟»

«اوه! مجرد، عزیزم، این که معلوم است! مجرد و حسابی هم پولدار. عایدی اش سالی چهار پنج هزار تاست. جان می دهد برای دخترهای ما!»

«چه طور؟ چه ربطی به آنها دارد؟»

زنش جواب داد: «آقای بنت، عزیز من، فکر و حواست کجاست! خوب، باید بفهمی که منظورم ازدواجش با یکی از دخترهای ماست.»

«آقا هم برای همین کار آمده این جا؟»

«برای همین کار! چه حرف ها! اصلاً می فهمی چه می گویی؟ خوب، احتمالش زیاد است که عاشق یکی شان بشود به خاطر همین، تا آمد باید بروی دیدنش.»

«من دلیلی برای این کار نمی بینم. تو و دخترها اگر می خواهید بروید. حتی می توانی خود دخترها را تنها بفرستی بروند. تازه شاید خیلی بهتر هم باشد، چون تو هم مثل آنها خوشگلی و هیچ بعید نیست آقای بینگلی از تو بیشتر خوشش بیاید.»

«عزیزم، تو لطف داری. البته من یک زمانی بدک نبودم، اما حالا که ادعایی ندارم. زنی که پنج تا دختر گنده دارد که دیگر به فکر خوشگلی خودش نیست.»

«چیزی هم از خوشگلی اش نمانده که بخواهد به آن فکر کند.»

«ولی، عزیزم، وقتی آقای بینگلی آمد همسایه ما شد تو حتماً باید بروی

دیدنش.»

«این کار از من ساخته نیست، خیالت راحت باشد.»

غرور و تعصب

غرور و تعصب محبوب‌ترین رمان جین آستین و یکی از معروف‌ترین رمان‌های تاریخ ادبیات جهان است. فهرمان داستان یکی از جذاب‌ترین قهرمانان در کل ادبیات به حساب می‌آید. در این رمان، بازیگوشی و انضباط، جنب و جوش و خویشتن‌داری، ارزش‌های رمانتیک و فضیلت‌های کلاسیک و بسیاری ویژگی‌های دیگر در تقابل و تعادل قرار گرفته‌اند. نهایتاً غرور جای خود را به سجایای والاتر می‌دهد و تعصب (با پیش‌داوری) نیز در سیر داستان رنگ می‌بازد...

30BOOK

نشر نی منتشر کرده است:

ترجمه آثار جین آستین به قلم رضا رضایی
عقل و احساس • غرور و تعصب • اما
منسفیلد پارک • نورثنگرایی • ترغیب



نشر نی